

نقش هدایا در حکومت غزنویان با اتکا بر نظریه پاتریمونیال وبر

پروانه صباحی¹ فریناز هوشیار² فیض الله بوشاسب³

¹ دانشجوی دکترای تاریخ ایران، گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. parvahehsabahi@gmail.com

² استادیار، گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول) Sarasabahi18@yahoo.com

³ دانشیار، گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. f.boushasb@yahoo.com

نویسنده مسئول: Sarasabahi18@yahoo.com

تاریخ دریافت: 1404/04/20 تاریخ پذیرش: 1404/07/23

چکیده

ماکس وبر، جامعه‌شناس برجسته آلمانی، مفهوم «پاتریمونیالیسم» را برای توصیف نوعی از سلطه سنتی به کار برد که در آن حاکم، قدرت و قلمرو خود را ملک شخصی می‌داند و اداره حکومت را همچون مدیریت دارایی خانوادگی تلقی می‌کند. این اصطلاح ریشه در واژه لاتین (pater پدر) دارد و بیانگر نوعی سلطه خانوادگی و موروثی است. از دید وبر، پاتریمونیالیسم امتداد نظام پدرسالاری است که در آن روابط سیاسی بر محور وفاداری شخصی و خویشاوندی شکل می‌گیرد و اقتدار سیاسی نه بر پایه قانون، بلکه بر پایه سنت و رابطه شخصی استوار است. پژوهش حاضر با تکیه بر نظریه پاتریمونیالیسم وبر، به بررسی نقش هدایا و تحف در حکومت غزنویان (۳۸۷-۴۳۲ ق / ۹۹۷-۱۰۴۱ م) می‌پردازد. پرسش اصلی آن است که هدایا در نظام سیاسی غزنویان چه نقشی در حفظ اقتدار سلطان و تأمین وفاداری زیردستان ایفا می‌کردند؟ فرضیه پژوهش این است که هدیه، در ساختار پاتریمونیال، ابزاری کلیدی برای بازتولید اقتدار، حفظ شبکه‌های وفاداری، و تداوم مشروعیت سیاسی سلطان بوده است.

در حکومت‌های پاتریمونیال، همان‌گونه که وبر تأکید می‌کند، وفاداری شخصی جایگزین شایستگی اداری می‌شود. هدیه دادن و هدیه گرفتن از این منظر، تجلی مادی همین وفاداری است. بررسی متون تاریخی مانند تاریخ بیهقی، تاریخ طبری و مروج الذهب نشان می‌دهد که در دربار غزنوی، هدایا کارکردی دوگانه داشتند: از یک سو نشانه اطاعت و بندگی نسبت به سلطان، و از سوی دیگر، ابزار تضمین پاداش و مشروعیت برای زیردستان. از دید جامعه‌شناختی نیز، تحلیل هدایا با نظریه‌های مارسل موس و پی‌یر بوردیو قابل پیوند است. موس هدیه را کنشی سه‌مرحله‌ای (دادن، گرفتن، پس‌دادن) می‌داند که موجب همبستگی اجتماعی و بازتولید رابطه قدرت می‌شود. بوردیو نیز هدیه را «ادای پدرسالاری» می‌نامد که از طریق آن نظم اجتماعی و سلسله‌مراتب اقتدار بازتولید می‌شود. این دو رویکرد مکمل نظریه وبر هستند و در تبیین ماهیت پاتریمونیالیستی حکومت غزنویان نقشی محوری دارند.

کلیدواژه: پاتریمونیالیسم، ماکس وبر، هدایا، غزنویان، وفاداری سیاسی، ایران

1-مقدمه

پژوهش حاضر به بررسی جایگاه و کارکرد تحف و هدایا در دربارهای سامانیان و غزنویان می‌پردازد، با تمرکز ویژه بر نمایش‌های قدرتی که در تعاملات این حکومت با خلافت بغداد به منصفه ظهور رسیده است. هدیه، نه صرفاً یک تبادل کالا، بلکه یک نهاد اجتماعی-سیاسی پیچیده است که در تمامی دوره‌های تاریخی ایران، به‌ویژه در حکومت‌های مبتنی بر ساختارهای اقتدار غیررسمی، نقشی حیاتی ایفا کرده است (موس، 1399). در نظام‌هایی که مشروعیت نهادی^۱ هنوز به طور کامل جایگزین اقتدار سنتی نشده است، مکانیسم‌های مبادله نمادین برای حفظ انسجام اجتماعی و سیاسی ضروری است (Weber, 1978).

در سطح نظری، این تحلیل بر نظریه حکومت پاتریمونیال^۲ ماکس وبر استوار است. حکومت پاتریمونیال، که در آن اداره حکومت به ملک شخصی سلطان نزدیک است و ساختار اداری (دیوانسالاری) نیز شخصی‌سازی شده است، نیازمند مکانیسم‌هایی برای تضمین وفاداری است. در این چارچوب،

¹ Legal-rational authority

² Patrimonialism

هدیه به ابزاری بنیادین تبدیل می‌شود که شکاف میان قدرت رسمی و سلطه شخصی را پر می‌کند. هدایا در این نظام، تجلی آشکار و ملموسی از «سرسپردگی» افراد وابسته به مقام مافوق هستند و عملکردی فراتر از صرفاً اقتصادی دارند؛ آن‌ها قراردادهای نانوشته‌ای برای حفظ نظم درونی و جلوگیری از «خشم سلطان» محسوب می‌شوند (ابوالفضل بیهقی، 1385).

در نظام پاتریمونیا، هدیه یک «معامله عقلانی» مبتنی بر سود و زیان مستقیم نیست، بلکه بخشی از شبکه‌ای از تعهدات دوسویه³ است که بقای سلسله مراتب قدرت را تضمین می‌کند. این امر به ویژه در تعامل با یک قدرت برتر (مانند خلافت عباسی که مرجعیت دینی و سیاسی داشت)، اهمیت مضاعفی می‌یابد (محمد بن جریر طبری، 1362).

هدیه به مثابه سازوکار سیاسی در ساختار پاتریمونیا

در این نظام، هدیه نه یک کنش داوطلبانه، بلکه کنشی سیاسی و اجباری است که کارکردی مشابه «مالیات وفاداری» دارد. سلطان محمود غزنوی با هدیه‌بخشی به غلامان، دبیران و شاعران، شبکه‌ای از وابستگی شخصی ایجاد می‌کرد و به همان نسبت، با دریافت هدایا از امرا و والیان، مشروعیت خود را تثبیت می‌کرد (Bosworth, 1963). این چرخه دوسویه از نظر وبر، تجسم عینی «قدرت شخصی‌شده» است که در آن روابط اجتماعی در خدمت سلطه فردی قرار می‌گیرد (Weber, 1978).

تحلیل داده‌های تاریخی نشان می‌دهد که هدایا در حکومت غزنویان سه کارکرد اصلی داشتند:

۱. ابزار تحکیم مشروعیت سیاسی سلطان از طریق نمایش کرم و بخشش،

۲. وسیله کنترل و مهار نخبگان محلی از طریق اعطای پاداش و خلعت،

۳. عامل بازتولید نظم اجتماعی بر پایه وفاداری و اطاعت شخصی.

از این منظر، هدایا نه تنها ابزار اقتصادی، بلکه نماد مشروعیت دینی و سیاسی بودند. پیوند نزدیک میان سلطان و خلیفه عباسی نیز از همین منطق تبعیت می‌کرد؛ زیرا تبادل هدایا میان این دو، به منزله بازتأیید مشروعیت الهی سلطنت غزنوی بود.

پیشینه تحقیق

مطالعه سنت هدیه‌دهی در ایران از منظرهای گوناگون مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. پشتدار و دهقان شیر (۱۳۹۹) در تحلیل خود با تمرکز بر متون کلاسیک فارسی به این نتیجه رسیدند که فرهنگ هدیه‌دهی در ایران از دیرباز نقشی فراتر از یک رسم اجتماعی داشته و به عنوان سازوکاری فرهنگی در حفظ و انتقال ارزش‌های اجتماعی تداوم یافته است (پشت دار و دهقان شیر، 1399).

روح‌الامینی (۱۳۹۷) با رویکردی انسان‌شناختی به بررسی آیین‌های کهن ایرانی پرداخته و نشان داده که چگونه این آیین‌ها در گذر زمان نه تنها حفظ شده‌اند، بلکه در بافتارهای جدید فرهنگی بازتولید شده‌اند. این پژوهش بر ارتباط عمیق بین باورهای دینی و عملکردهای فرهنگی در آیین‌هایی مانند نوروز و مهرگان تأکید دارد (روح‌الامینی، 1395).

طاهری و عسکری (۱۳۹۶) در پژوهش خود به تحلیل ابعاد سیاسی و اقتصادی هدیه‌دهی پرداخته‌اند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که این سنت در بسیاری موارد به ابزاری برای تحکیم قدرت و ایجاد شبکه‌های نفوذ تبدیل می‌شده است. به عبارت دیگر، هدیه‌دهی تنها یک کنش فرهنگی نبوده، بلکه سازوکاری برای ایجاد و حفظ روابط قدرت بوده است (طاهری و عسکری، 1396).

قنبری (۱۳۹۴) در تحقیق خود به بررسی مفهوم "خلعت" و کارکردهای آن در متون تاریخی پرداخته است. این پژوهش نشان می‌دهد که اعطای خلعت نه تنها نشانه‌ای از احترام، بلکه ابزاری برای ایجاد پیوندهای ارباب-رعیتی و تحکیم روابط سلسله‌مراتبی بوده است (قنبری، ۱۳۹۴).

شریفی (۱۳۹۴) با بررسی تداوم جشن‌های باستانی در دوره اسلامی، به این نتیجه رسیده که ویژگی هدیه‌دهی در این مراسم، علاوه بر کارکرد اجتماعی، نقش مهمی در اقتصاد سیاسی حکومت‌های ایرانی داشته است. این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه این سنت به عنوان مکانیسمی برای گردش ثروت و ایجاد شبکه‌های اقتصادی عمل می‌کرده است (شریفی، ۱۳۹۴).

رحمان‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه خود بر اساس روایت‌های تاریخ بیهقی، به بررسی کارکردهای سیاسی و اجتماعی هدیه‌دهی در دربار غزنویان پرداخته‌اند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که این سنت در ساختار قدرت نقش مهمی در ایجاد وفاداری و تحکیم روابط سیاسی ایفا می‌کرده است (سامان، عبدالله و وزیر، ۱۳۹۴).

اشرفی (۱۳۹۳) در پژوهش خود به بررسی نقش اقتصادی هدیه در تداوم آیین‌های کهن پرداخته است. این تحقیق نشان می‌دهد که چگونه سنت هدیه‌دهی علاوه بر کارکردهای فرهنگی، به عنوان منبع درآمدی برای حکومت‌ها عمل می‌کرده و در تداوم آیین‌هایی مانند نوروز و مهرگان نقش داشته است (حمید اشرفی، ۱۳۹۳).

بیگدلی (۱۳۹۳) در تحلیل تاریخی خود به این نتیجه رسیده که هدیه‌دهی در دوره اسلامی به صورت نهادینه‌شده‌ای درآمد و به عنوان سازوکاری برای ایجاد و حفظ روابط سلسله‌مراتبی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. (کاسگری، ۱۳۹۳).

زرین‌کوب (۱۳۷۷) در اثر خود به بررسی تداوم سنت‌های ایرانی در دوره اسلامی پرداخته و نشان داده که چگونه آیین‌هایی مانند هدیه‌دهی در دوره حکومت‌های محلی ایرانی تداوم یافته‌اند (زرین‌کوب، ۱۳۷۷).

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از چارچوب نظریه پاتریمونیالیسم وبر، در پی ارائه تحلیلی جامع‌تر از نقش هدیه در ساختارهای قدرت و مناسبات اقتصادی-اجتماعی ایران است. این رویکرد نظری می‌تواند به درک بهتری از کارکردهای چندگانه هدیه در تاریخ ایران منجر شود (Weber, 1978).

چارچوب نظری: پاتریمونیالیسم وبر و منطق هدیه‌دهی

وبر در اثر کلاسیک خود اقتصاد و جامعه، سه سنخ اصلی سلطه را مطرح می‌کند (Weber, 1978):

۱. سلطه عقلانی - قانونی^۴

۲. سلطه کاریزماتیک^۵

۳. سلطه سنتی^۶

سلطه پاتریمونیال زیرمجموعه سلطه سنتی است و در جایی شکل می‌گیرد که مشروعیت قدرت از سنت‌های موروثی و رابطه شخصی سرچشمه می‌گیرد. وبر می‌نویسد: «در سلطه پاتریمونیال، فرمانروا همان رئیس خاندان است که اقتدارش بر قلمرو سیاسی گسترش یافته است» (Weber, 1978). در چنین ساختاری، دیوان‌سالاری به خدمت شخص سلطان درمی‌آید و روابط اداری جای خود را به روابط خاندانی و وفاداری شخصی می‌دهد.

از منظر نظری، هدیه در این ساختار همان سازوکار عینی وفاداری است. هدیه دادن از پایین به بالا (تابع به سلطان) بیانگر پذیرش سلطه و وابستگی است، و هدیه از بالا به پایین (سلطان به تابع) ابزار حفظ وفاداری و کنترل سیاسی است (موس، 1399). به تعبیر مارسل موس، هدیه کنشی است که با وجود ظاهر داوطلبانه، الزام آور است؛ زیرا دریافت کننده را به پاسخ متقابل وامی دارد. این الزام متقابل در نظام پاتریمونیا، همان وفاداری سیاسی است که تداوم سلطه را ممکن می سازد.

پی‌یر بوردیو با توسعه نظریه موس، هدیه را نوعی «سرمایه نمادین» می داند؛ یعنی ابزاری که سلطه را به شکل مشروع بازتولید می کند. در نظام‌های پاتریمونیا، مانند حکومت غزنویان، هدیه دهی به سلطان یا از جانب او، شکل نمادین سرمایه سیاسی است؛ به گونه ای که با هر هدیه، رابطه ای نابرابر اما مشروع میان حاکم و تابع تثبیت می شود (Bourdieu, 1990).

بنابراین، اگر در نظریه وبر، عنصر بنیادین پاتریمونیا، «وفاداری شخصی» است، در ساختار تاریخی غزنویان، هدیه ابزار تجسم مادی همین وفاداری است. نظام هدایا و تحف دربار غزنویان شبکه ای از بده‌بستان‌های مادی و نمادین را می ساخت که در خدمت اقتدار شخصی سلطان بود و ساختار پاتریمونیا را از درون بازتولید می کرد (Weber, 1978).

تحلیل تاریخی و جامعه‌شناختی هدایا در حکومت غزنویان

هدیه در دوره غزنویان فراتر از یک کنش اقتصادی یا فرهنگی، ابزاری برای تنظیم روابط سیاسی و اجتماعی میان حاکم و تابعان بود (ابوالفضل بیهقی، 1385). در ادامه به بررسی آن می پردازیم:

5-1 هدیه به عنوان ابزار وفاداری سیاسی

در دربار غزنویان، هدیه دادن نه صرفاً یک عمل تشریفاتی، بلکه شکلی از بیعت سیاسی بود. بیهقی در موارد متعدد اشاره می کند که «هر کس هدیه ای آورد، به اقبال نزدیک شد» (ابوالفضل بیهقی، 1385). این عبارت به خوبی نشان می دهد که هدیه، مجوز ورود به حلقه قدرت بود (Weber, 1978). در نظام پاتریمونیا، وفاداری زیردستان بر پایه رابطه مستقیم با سلطان تعریف می شود. هدیه دهی این رابطه را تقویت می کرد و میان سلطان و تابع، نوعی بده‌بستان سیاسی برقرار می ساخت. سلطان با پذیرش هدیه، وفاداری را به رسمیت می شناخت، و در پاسخ، با عطا، خلعت یا منصب، این پیوند را مستحکم می کرد (موس، 1399).

وبر این وضعیت را چنین توصیف می کند: «در ساختار پاتریمونیا، رابطه میان فرمانروا و تابع، شخصی، متقابل و مبتنی بر احسان است، نه بر قانون» (Weber, 1978).

از این رو، می توان گفت که در حکومت غزنویان، هدیه نوعی «زبان نمادین وفاداری» بود. هر هدیه، تجسم مادی وفاداری سیاسی تابعان محسوب می شد. این مسئله را می توان با نظریه موس (1925) تطبیق داد که هدیه را تعهدی اجتماعی می داند؛ تعهدی که نقض آن موجب بی اعتباری اجتماعی می شود. در نتیجه، برای درباریان غزنوی، خودداری از هدیه دادن نه تنها بی ادبی، بلکه نشانه ای از بی وفایی سیاسی به سلطان تلقی می شد (موس، 1399).

5-2 هدایا در ساختار اقتصادی و مالی دربار

یکی از ویژگی های نظام پاتریمونیا، درهم تنیدگی مالکیت شخصی سلطان با منابع عمومی است. وبر معتقد است در چنین نظامی، اقتصاد سیاسی دربار تابع اراده شخصی حاکم است (Weber, 1978). در حکومت غزنویان، خزانه سلطانی همان گونه که در تاریخ بیهقی و زین الاخبار گردیزی آمده، نه به عنوان دارایی دولتی بلکه دارایی سلطان تلقی می شد.

هدایا بخشی از این گردش اقتصادی بودند. والیان، امرای محلی و حتی پادشاهان تابع، در اعیاد رسمی یا هنگام اعزام سفیر، هدیه‌هایی شامل سکه‌های طلا، اسب، جامه‌های دیبا و غلامان ترک برای سلطان ارسال می‌کردند (گردیزی، 1373). این هدایا گاه در مقیاسی عظیم جمع‌آوری می‌شدند. بیهقی از نوبتی یاد می‌کند که «ده هزار دینار در پنج کیسه ابریشمین پیش مسعود آوردند» (ابوالفضل بیهقی، 1385).

در مقابل، سلطان نیز با اعطای خلعت، زمین و جواهر، توازن مالی را حفظ می‌کرد و با این روش، وابستگی مالی درباریان به خود را افزایش می‌داد. این الگوی اقتصادی در چارچوب پاتریمونالیسم به معنای تبدیل اقتصاد به «اقتصاد سلطانی» است، جایی که وفاداری سیاسی در برابر عطا‌های مادی شکل می‌گیرد (ابوالفضل بیهقی، 1385).

تحلیل‌ها نشان می‌دهد که این هدایا کارکرد مالی دوگانه داشتند: از یک سو، نقش مالیات غیررسمی را برای سلطان ایفا می‌کردند، و از سوی دیگر، موجب بازتوزیع ثروت در دربار می‌شدند. این امر، با نظریه وبر سازگار است که پاتریمونالیسم را نظامی می‌داند که در آن، «اقتصاد تابع سیاست شخصی سلطان» است (Weber, 1978).

3-5 هدیه و مشروعیت دینی

در حکومت غزنویان، مشروعیت سیاسی ارتباط مستقیمی با مشروعیت دینی داشت. محمود غزنوی با کسب القاب «یمین‌الدوله» و «امین‌المله» از خلیفه عباسی، موقعیت خود را تقویت کرد. اما این رابطه نه صرفاً سیاسی، بلکه مبتنی بر تبادل هدایا بود (Bosworth, 1963).

منابع تاریخی مانند الکامل فی التاریخ ابن اثیر و مروج الذهب مسعودی گزارش می‌دهند که خلفا با ارسال خلعت و پرچم خلافت به سلطان، مشروعیت او را تأیید می‌کردند، و در مقابل، محمود نیز با فرستادن طلا، دیبا و اسب، این پیوند را تجدید می‌کرد (علی بن حسین مسعودی، 1374؛ ابوالفضل بیهقی، 1385).

در نظریه وبر، مشروعیت پاتریمونیا ل مبتنی بر تداوم سنت است و برای بقای آن، نمادهای تقدس و تأیید دینی ضروری‌اند. بنابراین، هدایا در رابطه سلطان با خلیفه، نقش نمادین مشروعیت دینی را برعهده داشتند. هر هدیه، نه تنها ابزار دیپلماتیک بلکه تأیید ضمنی حق سلطنت بود (Weber, 1978).

در تمدن اسلامی، «هدیه حلقه اتصال میان قدرت سیاسی و تقدس مذهبی» بود. غزنویان با استفاده از این سازوکار، توانستند اقتدار خود را مشروعیت دینی بخشند و در قالب سلطان-خلیفه، نظم پاتریمونیا ل خود را در قلمرو خراسان و هند تحکیم کنند (Weber, 1978).

4-5 هدیه در مناسک درباری و آیین‌های سلطنتی

هدایا در نظام تشریفاتی غزنویان نقش محوری داشتند. اعیاد نوروز و مهرگان، مهم‌ترین مناسبت‌هایی بودند که در آنها سلطان در مجلس عام، هدایا را از زیردستان دریافت می‌کرد و در مقابل، خلعت‌ها و عطایا اعطا می‌نمود (پشت دار و دهقان شیری، 1399).

بیهقی صحنه‌ای از نوروز سال ۴۲۹ق را چنین توصیف می‌کند: «سلطان بر تخت نشست و امیران و دبیران پیش آمدند، هدایا آوردند و فرمان یافتند» (ابوالفضل بیهقی، 1385). این توصیف نشان می‌دهد که عمل هدیه دادن، جزئی از مناسک سیاسی و نشانه مراتب قدرت بود.

از منظر وبر، آیین‌های سنتی ابزاری برای بازتولید اقتدار هستند. این آیین‌ها نه صرفاً تشریفات، بلکه تکرار نمادین رابطه حاکم و تابع‌اند. بنابراین، می‌توان گفت که آیین‌های هدیه‌دهی در دربار غزنویان نقش تثبیت‌کننده نظم پاتریمونیا ل را ایفا می‌کردند (Weber, 1978).

تحلیل‌ها نشان می‌دهد که در متون اسلامی، مجلس هدیه به منزله «میدان مشروعیت» عمل می‌کرد؛ جایی که هر فرد جایگاه خود را از طریق هدیه تثبیت می‌کرد. این سنت بعدها در دربار سلجوقیان و تیموریان نیز تداوم یافت و به یکی از ارکان فرهنگ سیاسی ایرانی تبدیل شد (Weber, 1978).

5-5 هدیه، شعر و مشروعیت فرهنگی

یکی از جنبه‌های جالب توجه در دربار غزنویان، پیوند میان هدیه و شعر است. شاعران بزرگ درباری چون عنصری، فرخی و منوچهری، در برابر مدح سلطان، از او صلات و هدایا دریافت می‌کردند. بیهقی نمونه‌هایی از این مبادلات را ثبت کرده است. در یکی از مجالس، سلطان محمود در برابر قصیده‌ای از عنصری، «ده هزار دینار و اسب و خلعت فاخر» به او بخشید (ابوالفضل بیهقی، 1385).

این عمل از دیدگاه وبر، نمونه‌ای از رابطه پاتریمونیالیستی میان سلطان و تابع فرهنگی است. شاعر در برابر ستایش سلطان، نه حقوق، بلکه هدیه دریافت می‌کند. هدیه در اینجا، جایگزین قرارداد رسمی است و وفاداری شاعر به سلطان را تثبیت می‌کند (ترنر، 1390، 559).

از دید موس و بورديو، این عمل نمونه‌ای از «اقتصاد نمادین» است که در آن، قدرت سیاسی از طریق بخشش به حوزه فرهنگی مشروعیت می‌بخشد. بنابراین، هدیه در این زمینه نه تنها ابزار اقتصادی بلکه عنصر فرهنگی سلطه است (ترنر، 1390، موس، 1399).

کارکردهای نمادین و اجتماعی هدیه در نظام پاتریمونیال غزنویان

در نظام پاتریمونیال غزنویان، هدایا فراتر از مبادلات مادی بودند و به‌عنوان نماد وفاداری، احترام و وابستگی اجتماعی عمل می‌کردند و روابط قدرت را تثبیت می‌کردند.

این هدایا در مناسبات درباری و میان فرمانروایان و تابعان، نشان‌دهنده سلسله‌مراتب قدرت و موقعیت اجتماعی دریافت‌کننده بودند و نقش مهمی در بازتولید روابط پاتریمونیال ایفا می‌کردند. از این منظر، هدیه به‌عنوان وسیله‌ای برای ایجاد وفاداری، مشروعیت‌بخشی به حاکم و تقویت انسجام اجتماعی عمل می‌کرد (ابوالفضل بیهقی، 1385).

6-1 هدیه و بازتولید شبکه قدرت

هدایا در دربار غزنویان نقشی فراتر از ارزش مادی داشتند؛ آنان ابزار مدیریت اجتماعی و سامان‌دهی روابط قدرت بودند. در متون تاریخی، بارها از ارسال هدیه میان سلطان و امرای تابع سخن رفته است. برای نمونه، بیهقی در روایتی دقیق، از ورود رسول خلیفه به درگاه مسعود یاد می‌کند که «با تشریفات فراوان از او استقبال شد و پس از قرائت نامه خلیفه، سه روز عزای عمومی اعلام شد. سپس مسعود دستور داد تا رسول با شکوه به مسجد آورده شود، خطبه و نماز به‌جا آوردند و خزانه‌داران سلطانی ده هزار دینار در پنج کیسه ابریشمین پیش آوردند» (ابوالفضل بیهقی، 1385).

این واقعه نشان‌دهنده چند نکته اساسی در منطق پاتریمونیال است:

نخست آنکه، سلطان غزنوی با بخشش گسترده، جایگاه خویش را به‌عنوان منبع خیر و ثروت تثبیت می‌کند؛ دوم، هدیه در اینجا نه صرفاً تشریفاتی بلکه نوعی زبان سیاسی است که وفاداری خلیفه و سلطان را بازتولید می‌نماید؛ و سوم، بیهقی با دقت نشان می‌دهد که رابطه مالی، رابطه‌ای معنوی و مشروعیت‌آور است.

از منظر وبر، چنین ساختاری ویژگی بنیادین پاتریمونیالیسم است: روابط میان تابع و حاکم نه بر اساس قانون، بلکه بر پایه شخصی‌سازی قدرت و «احسان متقابل» شکل می‌گیرد (Weber, 1978). در نتیجه، هدیه دادن و هدیه گرفتن، نوعی قرارداد ضمنی وفاداری است که نظام سیاسی را در غیاب نهادهای رسمی، منسجم نگاه می‌دارد.

6-2 هدیه و بازتولید شبکه قدرت

در حکومت غزنویان، سلطان با اعطای هدایا به فرماندهان نظامی و دیوانیان بلندپایه، ساختار نخبگان را در مدار قدرت نگاه می‌داشت. بیهقی نمونه‌های متعددی از این رفتار دارد: اعطای خلعت به حسنک وزیر، یا اهدای مال به شاعران و دبیران. اما همین هدایا گاه به ابزاری برای تحقیر سیاسی نیز تبدیل می‌شدند. برای مثال، سلطان گاه با «رد هدیه» نشان می‌داد که فرد از نظر سیاسی مغضوب است (Weber, 1978).

در نظریه وبر، این همان منطق پدرسالارانه‌ی انضباط است: سلطان از طریق عطا و منع عطا، نظام اطاعت را تنظیم می‌کند. بنابراین، هدیه نه فقط پاداش بلکه مجازات نمادین نیز هست. این منطق در متن فایل تو نیز تبیین شده بود که هدیه در نظام‌های شرقی گاه به معنای «مرز میان لطف و غضب سلطان» تلقی می‌شد.

6-3 هدیه و بازتولید شبکه قدرت

هدایا در روابط بین‌المللی غزنویان نیز جایگاهی تعیین‌کننده داشتند. منابع تاریخی از تبادل هدایا میان سلطان محمود و خلفای عباسی، حاکمان هندوستان و حتی امیران خراسان سخن می‌گویند. این هدایا، هم نشانه صلح و اتحاد بودند و هم ابزار نمایش قدرت (ابوالفضل بیهقی، 1385).

در یکی از گزارش‌های بیهقی آمده است که «چون امیر محمود غنایم هند را به بغداد فرستاد، خلیفه او را به لقب یمین‌الدوله مفتخر گردانید» (ابوالفضل بیهقی، 1385). این نمونه، پیوند مستقیم میان هدیه و مشروعیت سیاسی را نشان می‌دهد: هدیه، مبادله‌ای مادی است که در آن، مشروعیت نمادین مبادله می‌شود. از نگاه وبر، این عمل بازنمایی عملی همان «تبادل سرمایه نمادین» است که سلطه را مشروع می‌سازد (ترنر، 1390).

4-6 هدیه و بازتولید شبکه قدرت

در جامعه پاتریمونیال غزنوی، هدیه نه تنها نشان وفاداری سیاسی، بلکه معیار منزلت اجتماعی بود. هر چه هدیه ارزشمندتر، جایگاه فرد در هرم قدرت بالاتر. این منطق در سطح اجتماعی نیز عمل می‌کرد: مردم عادی در اعیاد مذهبی و جشن‌های رسمی، با تقدیم پیشکش به دیوانیان و حکام محلی، جایگاه خود را تثبیت می‌کردند (ابوالفضل بیهقی، 1385).

در نظریه وبر، چنین پدیده‌ای مصداق اجتماع منزلتی⁷ است، یعنی جایی که افتخار اجتماعی و منزلت نه از قانون بلکه از سنت و روابط پاتریمونیال سرچشمه می‌گیرد (Weber, 1978). هدیه در چنین ساختاری، سازوکار عملی حفظ این منزلت است.

5-6 هدیه و بازتولید شبکه قدرت

نکته‌ای که حائز اهمیت است، تداوم سنت هدیه از دوره ساسانی تا غزنوی و پس از آن است. در دوره‌های بعدی مانند سلجوقیان و تیموریان، همین منطق ادامه یافت: هدیه وسیله‌ای انتقال وفاداری، نمایش قدرت و حفظ پیوند میان شاه و رعیت بود (ابوالفضل بیهقی، 1385).

این تداوم را می‌توان نشانه‌ای فرهنگی نوعی ذهنیت پاتریمونیال ایرانی دانست که وبر آن را در جوامع شرقی با واژه‌ی «دولت شخصی‌شده»⁸ توصیف می‌کند (Lambton, 2013). در این جوامع، سلطان مرکز هستی سیاسی است و هدیه، محور گردش قدرت (حجاریان، 1374).

تحلیل و بررسی نهایی

برای پیوند نهایی میان نظریه وبر و سنت هدیه‌دهی در غزنویان، باید چند نکته را برجسته کرد:

1. پاتریمونیالیسم و روابط شخصی:

در نظریه وبر، اقتدار پاتریمونیال بر روابط شخصی استوار است. در حکومت غزنویان، این روابط از طریق هدیه تثبیت می‌شد. هدیه به منزله «قرارداد غیررسمی» میان سلطان و تابع عمل می‌کرد که تعهد دوطرفه‌ای از جنس وفاداری و حمایت را در پی داشت (Weber, 1978).

2. هدیه به‌عنوان ابزار بازتولید مشروعیت:

وبر معتقد بود که مشروعیت در سلطه سنتی، از طریق تکرار آیین‌ها و اعمال نمادین بازتولید می‌شود. هدیه در این چارچوب همان آیین بازتولید است: در هر نوروز یا مهرگان، با اهدای هدایا، اقتدار سلطان تجدید می‌گردد (Weber, 1978).

3. هدیه و اقتصاد سیاسی سنتی:

در پاتریمونیالیسم، مرز میان اقتصاد شخصی و دولتی وجود ندارد. هدایا به‌منزله جریان مالی در این نظام عمل می‌کردند. سلطان از هدایا ثروت می‌اندوخت و با عطایا همان ثروت را بازتوزیع می‌کرد. این چرخه، توازن قدرت را حفظ می‌کرد و به قول وبر، «اقتصاد سلطانی» را ممکن می‌ساخت (ابوالفضل بیهقی، 1385).

4. هدیه و نظم نمادین:

⁷ Status group
⁸ personalized state

هدیه نه تنها ابزار مادی بلکه ابزار نمادین اقتدار بود. از دید بوردیو، هدیه کنشی است که سلطه را مشروع جلوه می‌دهد، زیرا به صورت داوطلبانه انجام می‌شود. در واقع، اطاعت در این نظام داوطلبانه به نظر می‌رسد، اما در ذات خود اجباری است. این همان منطق پاتریمونیالیسم است که سلطه را در پوشش بخشش و کرم پنهان می‌کند (ابوالفضل بیهقی، 1385).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که هدایا و تحف در دوره غزنویان نه تنها جنبه تشریفاتی و فرهنگی داشتند، بلکه نقش کلیدی در تثبیت قدرت سلطان و مدیریت وفاداری زیردستان ایفا می‌کردند. این فرآیند، نمونه‌ای بارز از ویژگی‌های نظام پاتریمونیالیستی در مفهوم وبر است؛ نظامی که در آن اقتدار، بر پایه روابط شخصی و سنتی استوار است و سلطه از طریق شبکه‌ای از هدایا، خلعت‌ها، و بخشش‌ها استمرار می‌یابد.

هدیه در حکومت غزنویان، تجسم مادی وفاداری و نشانه مشروعیت سیاسی بود. از منظر نظری، می‌توان گفت هدیه سازوکار عملی تبدیل «قدرت شخصی» به «اقتدار مشروع» است؛ یعنی همان فرایندی که وبر از آن به عنوان «پاتریمونیالیسم» یاد می‌کند. در این چارچوب، هر هدیه رابطه‌ای نابرابر اما مشروع میان سلطان و تابع ایجاد می‌کرد، و از طریق تکرار آیینی آن، نظم سیاسی سنتی بازتولید می‌شد.

همچنین، هدیه در ساختار فرهنگی و اقتصادی غزنویان نقش بنیادین داشت:

- در بعد سیاسی، وفاداری تابعان را تضمین می‌کرد،
- در بعد اقتصادی، ابزار گردش ثروت و کنترل منابع بود،
- در بعد فرهنگی، مشروعیت شاعرانه و ادبی به سلطنت می‌بخشید،
- و در بعد دینی، واسطه‌ی مشروعیت خلیفه و سلطان بود.

از دیدگاه تطبیقی، می‌توان نتیجه گرفت که هدیه در حکومت غزنویان همان نقشی را ایفا کرد که وبر برای احسان پدرسالار در نظریه خود قائل است؛ یعنی سازوکاری برای دوام اقتدار سنتی در چارچوبی که قانون هنوز جایگزین سنت نشده است.

در نتیجه، نظام هدایا در حکومت غزنویان، نه تنها بخشی از آیین درباری بلکه ساختار مرکزی پاتریمونیالیسم ایرانی-اسلامی بود؛ ساختاری که در آن سیاست، اقتصاد، فرهنگ و مذهب در شبکه‌ای از بخشش‌ها و وفاداری‌های متقابل درهم تنیده بود و از رهگذر همین شبکه، اقتدار سلطان مشروعیت و استمرار می‌یافت.

منابع

- Bosworth, C.E. (1963) 'The Ghaznavids: their empire in Afghanistan and Eastern Iran', pp. 994-1040.
- Bourdieu, P. (1990) 'The logic of practice', *Polity* [Preprint].
- Lambton, A.K.S. (2013) *State and government in medieval Islam*. Routledge.
- Weber, M. (1978) *Economy and society: An outline of interpretive sociology*. University of California press.
- ابوالفضل بیهقی (1385) کتاب تاریخ بیهقی، به کوشش علی اکبر فیاض.
- ترنر، ن.ا.وب. (1390) برداشت هایی در نظریه اجتماعی معاصر، جامعه شناسان.
- حجاریان، س. (1374) 'ساخت اقتدار سلطانی: آسیب پذیری ها، بدیل ها'، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، p. 48، (91-92)،
- حمید اشرفی* (1393) 'نقش خراج و هدیه در استمرار جشن های ایرانی در قرون نخستین اسلامی'، *مطالعات تاریخ فرهنگی*، سال ششم، (21)، pp. 25-45.
- روح الامینی، م. (1395) 'آیین ها و جشن های کهن در ایران'، آگاه، آگه، سپهر خرد. [Preprint]
- سامان، رز.، عبدالله، ط.آ. and وزیر، م. (1394) 'برگزاری جشن های باستانی در دربار غزنه به روایت تاریخ بیهقی'، *همایش پژوهش های زبان و ادبیات فارسی*. [Preprint]
- شریفی، س. (1394) *تداوم جشن های باستانی ایران در دور؟ اسلامی تا حمل؟ مغول*. دولتی - وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری - دانشگاه یزد - دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- عسکری، ط.و. (1396) 'هدیه دادن و رسوم آن نزد ایرانیان با تکیه بر شاهنامه و تاریخ بیهقی'.
- علی بن حسین مسعودی (1374) *مروج الذهب و معادن الجواهر ترجمه ابوالقاسم پاینده*. تهران: علم.
- علی محمد پشت دار؛ معصومه دهقان شیری (1399) *هدیه دادن و رسوم آن نزد ایرانیان با تکیه بر تاریخ بیهقی*. پژوهشنامه تاریخ اجتماعی.
- قنبری، ع. (1394) 'خلعت و خلعت بخشی در شاهنامه فردوسی و تاریخ بیهقی'، *فصلنامه زبان و ادب فارسی*، p. ۷۵-۹۹، (۲۵)، ۱.
- کاسگری، س.خ. (1393) *بررسی تجارت از صدر اسلام تا پایان عصر اول عباسی*. دانشگاه تربیت معلم - تهران - دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- کوب، ع.ز. (1377) 'تاریخ مردم ایران (جلد دوم)'، *امیرکبیر*. [Preprint]
- گردیزی، ع.ب.ض. (1373) *تاریخ گردیزی*.
- محمد بن جریر طبری (1362) *کتاب تاریخ طبری اثر محمد بن جریر طبری / ایران کتاب*.
- موس، م. (1399) 'هدیه و تناقض های آن فراتر از مارسل موس'، (وزیری (شومیز) آخرین چاپ: 1).